

فصل نامه پژوهش های تاریخی (علمی - پژوهشی)

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان

سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم

شماره دوم (پیاپی 35)، پاییز 1396، صص 171-188

تاریخ وصول: 1395/05/28، تاریخ پذیرش: 1396/03/24

نقش روابط اقتصادی در میزان تعهد سیاسی امارات متحده عربی

در برابر ایران از 1359 تا 1367 ش / 1980 تا 1988م

ضیا محمدی* - مصطفی پیرمردیان**

چکیده

جنگ ایران و عراق روابط آینده جمهوری اسلامی ایران را با بسیاری از کشورها تحت تأثیر قرار داد. بیشتر کشورهای منطقه بلافاصله جانب عراق را گرفتند؛ اما به نظر می رسد که مواضع میانه امارات در برابر دو کشور، با روابط گسترده این کشور با جمهوری اسلامی مرتبط بود. این پژوهش برآن است نقش روابط اقتصادی را در میزان تعهد سیاسی امارات در برابر ایران در دوره جنگ بررسی کند. به نظر می رسد نتایج حاصل برای ایجاد روابط بهتر با کشورهای منطقه در جهان امروز مفید باشد. بنابراین باید پرسید: روابط اقتصادی دو کشور در میزان تعهد سیاسی امارات در برابر ایران چه تأثیری گذاشت. فرض ما برآن است که روابط اقتصادی افزایش تعهد سیاسی امارات در برابر ایران را موجب شد. در این نوشتار، روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و برپایه مطالعات کتابخانه ای و نشریات ادواری است. اشتراک نظر دو کشور در مسائلی مانند مخالفت با حضور بیگانگان در منطقه و دیدارهای فراوان مقامات آنها و مخالفت امارات با قطع رابطه اعراب با ایران، از جمله نشانه های افزایش تعهد سیاسی امارات متحده در برابر جمهوری اسلامی ایران در سطوح بین المللی است.

واژه های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، امارات متحده عربی، جنگ تحمیلی، روابط اقتصادی، روابط سیاسی

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ - مطالعات خلیج فارس، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسوول) zmandfriends@gmail.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران، mostafapirmoradian@yahoo.com

مقدمه

برابر ایران پرهیز می‌کرد که باید نقش روابط اقتصادی را در این زمینه بررسی کرد. حال باید پرسید: چرا ایران از نظر اقتصادی به سوی امارات گرایش پیدا کرد. چرا این گرایش ایران با استقبال امارات متحده روبه‌رو شد. چه علت‌ها و اقداماتی نشان‌دهنده تأثیر روابط اقتصادی در میزان تعهد سیاسی امارات متحده در برابر ایران هستند.

وضعیت اقتصادی ایران پس از انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی

الف. تحریم: انقلاب در هر کشوری که اتفاق افتد، علاوه بر فرصت‌های به‌وجودآمده، به‌صورت طبیعی هزینه‌هایی را هم به‌دنبال دارد که ممکن است تا مدت‌های طولانی سرنوشت کشور را تحت تأثیر قرار دهد. در جریان انقلاب کبیر فرانسه، این موضوع به‌خوبی مشاهده شد؛ چنان‌که تمام اروپا در مقابل فرانسه ایستادند و جنگ‌های بسیاری را به این کشور تحمیل کردند. در ایران نیز این هزینه‌ها، آن هم در آستانه جنگی بزرگ، زیان‌های بسیاری به کشور وارد کرد؛ به‌گونه‌ای که جریان تجارت و بازرگانی ایران را به‌کلی تغییر داد. در آن زمان، اقتصاد ایران علاوه بر تبعات ناشی از جنگ و هزینه‌های آن، با دیوار بزرگ دیگری نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد و آن تحریم‌های آمریکا برضد جمهوری اسلامی بود. تحریم‌هایی که تا حدود بسیاری جنبه بین‌المللی پیدا کرده بود و کشورهای فراوانی با آن همراه شده بودند. ریشه این تحریم‌ها به زمان انقلاب و جریان اسارت کارکنان سفارت آمریکا در تهران بازمی‌گشت. تسخیر سفارت آمریکا در 13 آبان 1358/4 نوامبر 1979، اتفاق افتاد و تعدادی از کارکنان سفارت اسیر شدند که 444 روز در بند بودند. در پی این حادثه، آمریکا اقداماتی از قبیل حمله نظامی و سپس تحریم‌های شدید اقتصادی بر ضد ایران را اعمال کرد. در 29 دی 1359/19 ژانویه 1981، گروگان‌ها

دهه اول پس از انقلاب، شاهد جنگ عراق علیه ایران بود. جنگی که در شهریور 1359/ سپتامبر 1980، آغاز شد و در مرداد 1367/ اوت 1988، به پایان رسید. بهانه عراق برای جنگ ادعاهای ارضی، از جمله درباره اروندرود (شط‌العرب)، بود. مواضع متناقض امارات در این دوره علت‌های بسیاری داشت و شاید این کشور تلاش می‌کرد که این‌گونه دو طرف جنگ را از خود راضی نگه دارد. علت‌های گرایش امارات به عراق بسیار روشن است؛ اما درباره علت‌های حمایت این کشور از ایران، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین نقش روابط اقتصادی دو کشور در تعهد سیاسی امارات به ایران جای بحث و بررسی دارد. در این باره پژوهش‌چندانی نشده است. در واقع، تا به حال به این مسئله توجه نشده است که چرا امارات علاوه بر عراق، به ایران هم گرایش داشت و اینکه اقتصاد در این زمینه چه نقشی ایفا کرد.

در کنار جنگ، عوامل دیگری شامل مسائل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر رفتار امارات تأثیر گذاشتند. ناسیونالیسم عربی در مقابل هویت ایرانی، مذهب تسنن در مقابل تشیع، ترس اعراب از شعار صدور انقلاب ایران، اختلافات دو کشور بر سر جزایر سه‌گانه (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی)، فشار قدرت‌های منطقه‌ای از جمله خود عراق و عربستان و در نهایت میزان سرایت جنگ به محدوده حاکمیت امارات متحده عوامل منطقه‌ای بودند. در کنار این، فشار قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و نیز تبلیغات جهانی علیه انقلاب ایران عوامل فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر مواضع امارات متحده عربی بودند. در نتیجه امارات هم مانند سایر اعراب خلیج فارس، کمک‌های مالی چشمگیری در اختیار عراق قرار داد و در سطوح بین‌المللی، در بسیاری مواقع با این کشور همراهی کرد؛ اما در مقایسه با دیگر اعراب خلیج فارس، از اتخاذ مواضع تند و سخت در

وابستگی به خارج، تجارت خارجی برعهده دولت گذاشته شد و طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی، دولت به پیگیری آن موظف شد. دولت نیز در راستای هدایت و کنترل مصرف و جلوگیری از خروج بی‌رویه ارز از کشور، واردات را کاهش داد و کالاها را سهمیه بندی کرد و برای توزیع آنها مراکزی ایجاد کرد (رکن الدین افتخاری، 1371: 582). به این ترتیب، ایران در تمام عرصه‌ها به‌ویژه اقتصادی، به سمت کاهش وابستگی به غرب حرکت کرد؛ برای مثال در سه سال اول انقلاب، میانگین واردات از کشورهای جهان سوم 17/19 درصد بود که 8/72 درصد آن به کشورهای اسلامی تعلق داشت. در همین مدت، کشورهای غربی 72/38 درصد واردات ایران را به خود اختصاص داده بودند. حال آنکه در سه سال پیش از انقلاب، این ترتیب برای کل کشورهای جهان سوم 7/75 درصد بود که سهم کشورهای اسلامی از آن فقط 2/5 درصد بود و این نسبت برای غربی‌ها 86 درصد بود. در این مدت، 22 درصد صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای جهان سوم تعلق داشت و از این میزان، 21 درصد به کشورهای اسلامی صادر می‌شد. کشورهای غربی هم 43 درصد را شامل می‌شدند و مابقی هم به کشورهای سوسیالیستی می‌رسید. سیاست تغییر جهت در مبادلات تجاری با بلوک‌ها و کشورها در سه سال دوم پس از انقلاب نیز تداوم یافت؛ به نحوی که سهم جهان سومی‌ها از واردات ایران به 19/38 درصد رسید که 9/9 درصد آن به کشورهای اسلامی تعلق داشت. واردات از غرب هم 71/81 درصد بود؛ اما صادرات نیز چنین روندی را نشان می‌دهد. به این صورت که سهم جهان سومی‌ها از صادرات ایران 27/72 درصد شد که 10/36 درصد آن به ملل اسلامی تعلق داشت و میزان صادرات به غرب 48/12 درصد شد. در مقایسه با دو دوره 1355 تا 1357 ش/ 1976 تا 1978 م و 1360 تا 1362 ش/ 1981 تا 1983 م، مشاهده می‌شود که

آزاد شدند؛ ولی تحریم‌ها کماکان ادامه یافت؛ اما دیگر نه به علت سرنگونی شاه یا اسارت دیپلمات‌ها، بلکه رفتارهای نامطلوب از سوی ایران از سال 1360 ش/ 1981 م بهانه آن بود (علیخانی، 1384: 24 تا 26).

تصمیم به اعمال تحریم‌ها با علت‌هایی همچون واداشتن جمهوری اسلامی ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایندی که در قبال آمریکا داشت، مجازات ایران برای سیاست‌هایی که در پیش گرفته بود و ابراز مخالفت نمادین دولت آمریکا برای جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل در آن کشور همراه بود (علیخانی، 1384: 40). رونالد ریگان (Reagan Ronald)، رئیس‌جمهور آمریکا در سال 1361 ش/ 1982 م و هنگام تمدید تحریم‌های ایران که از 14 نوامبر 1979/ آبان 1358 اعمال شده بود، عادی‌شدن روابط با ایران را در آینده نزدیک غیرممکن خواند (اطلاعات، 1361: ش 16863، 15).

به این ترتیب طی دوره جنگ نیز، ایالات متحده آمریکا و متحدانش ایران را در تحریم و محاصره اقتصادی قرار دادند. علاوه بر محدود شدن دایره کشورهای طرف تجارت، از پیامدهای تحریم اقتصادی به‌طور طبیعی افزایش نرخ اجناس وارداتی بود؛ چنان‌که ارزش واردات ایران در سال 1359 ش/ 1980 م، در مقایسه با سال پیش از آن، معادل 13 درصد افزایش قیمت پیدا کرد که در کنار عامل جنگ، آن را از اعمال تحریم اقتصادی از جانب آمریکا و اتحادیه اروپا ناشی دانسته‌اند؛ چراکه تحریم باعث شد که واردات کالا از کشورهای مبدأ به صورت مستقیم تا حدودی غیرممکن شود و در نتیجه، رجوع به بازارهای واسطه، قیمت کالاهای وارداتی را به شدت افزایش داد (رکن الدین افتخاری، 1371: 582 و 583).

ب. سیاست کاهش وابستگی به غرب و دولتی‌شدن اقتصاد: با پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی و نیز در پی اعمال تحریم‌های آمریکا بود که در جهت کاهش

بر شورای همکاری خلیج فارس، مبالغ چشمگیری به رژیم بعث عراق کمک کرد که برای اقتصاد امارات سنگین بود؛ برای نمونه این کمک‌ها یکی از علت‌هایی بود که اقتصاد امارات را در سال‌های 1364 و 1365 ش/ 1985 و 1986م فلج کرد؛ به‌نحوی که این کشور با رکود اقتصادی شدید، ورشکستگی شرکت‌های بزرگ و بحران در بودجه عمومی مواجه شد و بودجه با تأخیر فراوان به تصویب می‌رسید (رسالت، 1365، ش 301: 3). در سال 1366 ش/ 1987م نیز امارات با بحران در پرداخت تعهدات مالی خود مواجه شد و حتی کمک‌های ابوظبی و دبی، ثروتمندترین شیخ‌نشین‌های آن، نیز کفاف تأمین هزینه‌های پرداخت حقوق کارمندان دولتی را نمی‌کرد. این وضعیت از افزایش مداوم هزینه‌های دفاعی امارات ناشی می‌شد؛ چراکه طی چند سال، مخارج دفاعی این کشور به‌طور متوسط 50 درصد کل هزینه‌های این کشور را تشکیل داده بود. در واقع هفت شیخ‌نشین بهای اسلحه خریداری‌شده خود را پرداخت می‌کردند و سپس مبلغ آن را از میزان کمک خویش به بودجه فدرال کم می‌کردند (رسالت، 1366، ش 551: 11).

بی‌تردید این افزایش مداوم هزینه‌های دفاعی از احساس خطر از جنگ عراق و ایران و احتمال گسترش آن به کل منطقه خلیج فارس ناشی می‌شد که حمله عراق به میدان‌های نفتی امارات و وقوع جنگ نفت‌کش‌ها و افزایش حضور نظامی قدرت‌های بیگانه در آب‌های خلیج فارس شاید نشانه‌هایی از آن بود. در کنار این عوامل، به‌نظر می‌رسد که سیاست‌های دفاعی و نظامی شورای همکاری خلیج فارس هم تاحدودی در آن تأثیر داشت. بنابراین جنگ عراق و ایران در کنار فرصت‌هایی که برای امارات، به‌ویژه در عرصه اقتصادی، به وجود آورد هزینه‌های انکارناپذیری هم برای این کشور به‌همراه آورد که اقتصاد امارات از آن دور نماند؛ در نتیجه امارات نیز به تجارت با ایران نیازمند بود و به آن به چشم فرصتی

واردات از غرب 14 درصد کاهش یافت؛ حال آنکه واردات از جهان سوم و جهان اسلام همواره رو به افزایش بود. به همین شکل، صادرات به جهان سوم و ملل اسلامی نیز افزایش یافت (ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، 1366، ش 6: 6 و 7).

پ. جنگ عراق علیه ایران: در شهریور 1359/ 1980م، رژیم بعث عراق با دعاوی ارضی حمله‌ای همه‌جانبه علیه ایران آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید و زیان‌های هنگفتی به ایران، به‌ویژه بخش اقتصادی، وارد کرد. وقوع جنگ و هزینه‌های آن و نابودی زیرساخت‌های اقتصادی کشور، فشارهای اقتصادی به ایران را چند برابر کرد و درآمدها را کاهش داد و هدررفت ذخایر ارزی کشور را باعث شد. بلافاصله پس از شروع جنگ، 3 میلیون بشکه از تولیدات نفتی ایران از بازارهای جهانی حذف شد (مجله اقتصادی، 1365، ش 3: 7). برای کشوری مانند ایران با اقتصاد تک‌محصولی، این امر فاجعه‌ای به‌شمار می‌آمد. نتیجه هم‌زمان این وضعیت، افزایش سریع و سرسام‌آور هزینه‌ها در مقابل کاهش یکباره درآمدها و در نتیجه، اجبار در استفاده بی‌رویه از ذخایر مالی کشور بود. تأثیر جنگ تحمیلی در اقتصاد از سخنان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بهتر درک می‌شود. به‌گفته وی از سال 1365 ش/ 1986م، یک‌سوم بودجه کشور به مصرف نیروهای نظامی رسید و سال بعد، علاوه بر بودجه مصوب برای نیروهای مسلح، 70 میلیارد تومان که به‌طور تقریبی یک‌چهارم بودجه کشور بود، به جنگ اختصاص یافت و یک‌سوم از امکانات ارزی کشور در اختیار جنگ قرار گرفت (رزاقی، 1367: 659).

تأثیر جنگ عراق و ایران بر اقتصاد امارات

جنگ عراق علیه ایران نه‌تنها برای دو کشور بلکه برای تمام منطقه خلیج فارس تبعات و هزینه‌هایی به‌بار آورد. همان‌طور که گفته شد امارات متحده نیز تحت وضع حاکم

بزرگ می‌نگریست.

روابط اقتصادی ایران و امارات در دوره جنگ

قبل از انقلاب اسلامی، اعراب خلیج فارس در میان شرکای تجاری درجه یک ایران جایی نداشتند و در همان روابط اقتصادی اندک نیز کفه ترازو تا حد چشمگیری به سود ایران بود که این امر روابط با امارات متحده را هم شامل می‌شد؛ برای مثال در سال 1353 ش/ 1974 م، صادرات ایران به امارات حدود 1055 میلیون دلار بود و واردات آن از امارات نزدیک به 884 میلیون دلار بود. بیشترین میزان صادرات و واردات به دبی تعلق داشت و صادرات اغلب شامل اجزاء ساختمانی، چربی‌های حیوانی، چربی‌های نباتی، مواد شیمیایی و اقلام خوراکی بود و واردات نیز بیشتر کالاهای ساخته‌شده مانند ابزار برقی و ماشین‌آلات بود که جنبه صادرات مجدد داشت. حکومت شاه قبل از تشکیل کشور امارات، از تاریخ 10 آذر 1348/ 1969 م، اتباع تمام امارات خلیج فارس را از مقررات مربوط به تحصیل روادید ورود به ایران معاف کرده بود. آن زمان حدود سی هزار مهاجر ایرانی در امارات زندگی می‌کردند که بیشترشان در دبی و ابوظبی اقامت داشتند و در اقتصاد و تأمین نیروی انسانی نقش مؤثری داشتند؛ همچنین بانک صادرات، بانک ملی و بانک اعتبارات تعاونی توزیع ایران در امارات متحده فعالیت می‌کردند (امارات عربی متحده، 1354: 113 و 114 و 117). در زمان جنگ نیز همچنان مؤسسات ایرانی در امارات فعال بودند و ایرانیان بسیاری، چه کارگر و چه تاجر، در اقتصاد امارات و تجارت آن با ایران نقش داشتند.

تحریم اقتصادی، جنگ، سیاست کاهش وابستگی به غرب و در نتیجه دولتی شدن اقتصاد باعث شد که ایران در عرصه تجاری، به کشورهای تاحدودی مستقل از جمله امارات متحده گرایش شدیدی پیدا کند؛ از سوی دیگر، تأثیر جنگ بر اقتصاد امارات از طریق افزایش هزینه‌های آن

در نتیجه کمک‌های مالی به عراق و بحران‌های اقتصادی ناشی از این امر، در کنار عوامل دیگری مانند حضور گسترده ایرانیان در امارات و نقش مؤثر آنها در اقتصاد این کشور، استقبال امارات متحده از گسترش روابط تجاری با ایران را باعث شد.

تا پیش از وقوع انقلاب در ایران، در میان کشورهای خلیج فارس عربستان و کویت و عراق، در مقایسه با سایر کشورهای این حوزه، درصد بیشتری از صادرات ایران را جذب کرده بودند؛ اما پس از انقلاب، صادرات به این کشورها کاهش یافت و تغییراتی در طرف‌های مبادله صورت گرفت؛ به نحوی که امارات متحده عربی و کویت گوی سبقت را از دیگران ربودند (رکن‌الدین افتخاری، 1371: 624).

ایالات متحده آمریکا که پیش از انقلاب اصلی‌ترین شریک تجاری ایران بود، از سال 1358 ش/ 1979 م، از تجارت با ایران کنار کشید و کشورهای دیگری نظیر امارات جایگزین آن شدند. امارات در سال‌های 1361 و 1362 ش/ 1982 و 1983 م، به ترتیب رتبه چهارم و دوم را در واردات از ایران به خود اختصاص داد؛ همچنین از سال 1362 تا 1368 ش/ 1983 تا 1989 م، دبی پس از آلمان غربی در مجموع دومین شریک واردکننده کالا از ایران بود (رکن‌الدین افتخاری، 1371: 645، 642 و 647). در سال 1361 ش/ 1982 م، امارات متحده عربی 16 هزار تن کالا را به ارزش 1/5 میلیارد ریال از تولیدات ایران خریداری کرد که این میزان دربرگیرنده 3/6 درصد از ارزش کل صادرات ایران بود (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1363: 1370). منابع به صورت اختصاصی، به کالاهای صادراتی ایران به امارات اشاره چندانی نکرده‌اند و هر کجا نامی از کالاهای صادراتی یا وارداتی برده می‌شود، طیف گسترده‌ای از فروشندگان و مشتریان ایران را شامل می‌شود که امارات

این کشور در چنان موقعیتی، تا حد چشمگیری کمک‌ها و حمایت‌های این کشور را به رژیم بعث عراق کم‌رنگ کرد. در بُعد اقتصادی نیز همانند بُعد سیاسی، امارات متحده موضعی بینابین را در پیش گرفت و اگرچه کمک‌های مالی بسیاری در اختیار عراق قرار داد، از سوی دیگر بنادر خود را نیز در خدمت جمهوری اسلامی ایران نهاد. حکام امارات از کمک به عراق سودی به دست نمی‌آوردند؛ چراکه صدام بدهی خود را پس نمی‌داد (صفری، 1370: 155) و آنها به‌طور قطع متحمل ضرر می‌شدند؛ چنان‌که اوضاع وخیم اقتصادی امارات در سال 1364 ش/ 1985 م گویای این مطلب است. حال آنکه کمک‌های امارات به ایران مبادله‌ای دوجانبه بود و چون در اوضاع جنگ و به‌ویژه تحریم ایران صورت می‌گرفت، عنوان کمک به آن تعلق می‌گیرد. در دوران جنگ که ایران و امارات با یکدیگر روابط تجاری داشتند، اماراتی‌ها این امکان را داشتند که با فشار عراق روابط خود را با ایران قطع کنند یا آنکه در تحریم‌های بین‌المللی ضد ایران شرکت کنند. به‌طور کلی روند مبادلات تجاری ایران با امارات متحده در زمان جنگ چنین بود: روابطی گسترده که در آن کفه ترازو به سود امارات بود و علت آن هم جز جنگ و تحریم نبود.

باتوجه به جدول‌های آماری که در ادامه خواهند آمد، جایگاه امارات در اقتصاد و تجارت ایران بهتر درک می‌شود. این جدول‌ها وضعیت امارات را در جایگاه شریک تجاری ایران، در میان شرکای جهانی، بلوک شرق و آسیا نشان می‌دهند. جدول‌های نخستین (الف) وضعیت این کشور را در میان کشورهای نشان می‌دهند که طی دوره زمانی 1354 تا 1368 ش/ 1975 تا 1989 م، در مجموع 70 درصد مبادلات بازرگانی ایران با آنها صورت می‌گرفت. اما پیش از آوردن جدول‌ها، ارائه تحلیلی مناسب از آنها ضروری به نظر می‌رسد.

این جدول‌ها اوضاع تجارت با امارات را پیش و پس

متحده هم در میان آنها قرار دارد. اما در شمار ارقام صادراتی ایران به امارات باید از خشکبار و محصولات باغی و کشاورزی مانند پسته، حبوبات و...، شکلات، مواد شیمیایی، فرش و قالی، ماشین‌آلات ساختمانی، تجهیزات فنی و... نام برد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1363: 203). در زمینه صادرات به ایران، در سال 1360 ش/ 1981 م، امارات متحده عربی پس از کشورهای آلمان غربی، ژاپن، انگلیس، ایتالیا، کره جنوبی، سوئیس، فرانسه، هلند و اسپانیا در جایگاه دهم قرار داشت. در سال 1360 ش/ 1981 م، ارزش واردات از امارات متحده در مقایسه با صادرات به این کشور صد برابر بود. روندی که در سال‌های بعد هم تداوم یافت. جالب آنکه به‌طور تقریبی، تمامی طرف‌های بازرگانی خارجی با ایران تراز مثبت تجاری داشتند (رزاقی، 1367: 621 و 622). این امر از پیامدهای تحریم و جنگ برای اقتصاد ایران بود و به‌این ترتیب در مقایسه با قبل از انقلاب، تجارت میان ایران و امارات به‌طور کامل متحول شد.

بیشتر کالاهای صادراتی از امارات به ایران نیز همان کالاهای صادرات مجدد بود که عمده آنها فنی و مهندسی و کالاهای واسطه‌ای بود؛ چراکه امارات بیشتر نقش بندر و بارانداز را برای ایران ایفا می‌کرد و بندرهای اماراتی شارجه و دبی در اختیار ایران بود. در اوایل جنگ که بندرهای ایران امکان پذیرایی از کشتی‌های تجاری را نداشتند، بنادر دبی و شارجه و رأس‌الخیمه میزبان این کشتی‌ها بودند و کشتی‌ها بارهای خود را در این بندرها تخلیه می‌کردند و این کالاها تا زمان حمل به ایران، در انبارهای بندرهای مذکور نگهداری می‌شدند (امارات عربی متحده، 1364: 127 و 128). همین امر از جمله علت‌های گسترش روابط تجاری با امارات و افزایش تراز بازرگانی مثبت آنها در مقایسه با ایران بود. اما فارغ از بُعد تجاری و جنبه سودگرایی برای امارات، در اختیار نهادن بندرها توسط

در این جدول‌ها چند نکته مشخص می‌شود: اول اینکه در میان شیخ‌نشین‌های امارات، دبی بیشترین رابطه اقتصادی را با ایران داشته است؛ این کشور یا شیخ‌نشین آن دبی مدت پنج سال از دوره جنگ، جزء قدرتمندترین شرکای تجاری ایران در زمینه صادرات بودند. دوم اینکه اکثر کشورهای این فهرست دول اروپایی بودند، آن هم به‌طور عمده قدرت‌های اقتصادی بزرگ و امارات با این قدرت‌ها رقابت می‌کرد؛ سوم اینکه غیر از امارات هیچ‌یک از کشورهای خلیج فارس در این فهرست حضور نداشتند و موفق نشدند با امارات رقابت کنند؛ بنابراین امارات شریکی راهبردی در تجارت جمهوری اسلامی ایران بود که تحریم و محاصره اقتصادی ایران را تا حد چشمگیری جبران می‌کرد.

اما در زمینه واردات از ایران، امارات متحده پیش از انقلاب هم یکی از شرکای ایران بود؛ چنان‌که در سال 1356 ش/1977 م، دبی با 2/4 درصد واردات از ایران در جایگاه دوازدهم قرار گرفت؛ ولی صعود به رده‌های اول تا سال 1361 ش/1982 م به طول انجامید. در این سال امارات با 6/40 درصد واردات از ایران، جایگاه چهارم را به خود اختصاص داد که پیش‌از آن به سوئیس تعلق داشت و سال بعد با 14/07 درصد، به جایگاه دوم این لیست ارتقاء یافت؛ اما پس‌از آن باز هم نامی از امارات دیده نمی‌شود و شیخ‌نشین ثروتمند دبی جایگزین آن می‌شود. این شیخ‌نشین در سال 1363 ش/1984 م با 9/04 درصد واردات از ایران در مکان چهارم قرار گرفت و بعد از آن تا سال 1367 ش/1988 م، یعنی به مدت چهار سال متوالی، در جایگاه دوم قرار داشت. در سال‌های 1363 تا 1367 ش/1984 تا 1988 م دبی به ترتیب 12/61 درصد، 15/69 درصد، 12/65 درصد و 13/14 درصد کالاهای ایرانی را خریداری کرد؛ ولی سال بعد از آن، یعنی سال 1368 ش/1989 م، با 12/82 درصد به مکان سوم سقوط کرد.

از انقلاب هم نشان می‌دهند. امارات متحده که تا پیش از انقلاب در میان 12 کشوری که مشمول قاعده 70 درصدی بودند، جایگاهی نداشت، به یکباره در سال 1359 ش/1980 م با اختصاص 4/3 درصد از صادرات به ایران، جایگاه هفتم را از هلند گرفت. همان‌طور که گفته شد، علت‌های این امر عبارت‌اند از: تحریم ایران، سیاست اقتصادی کاهش وابستگی به غرب و آغاز جنگ تحمیلی؛ اما یکسال بعد، یعنی سال 1360 ش/1981 م، میزان صادرات امارات به ایران به 3 درصد کاهش یافت و امارات به رتبه دهم نزول کرد. رتبه‌ای که سال 1359 ش/1980 م از آن اتریش بود و فرانسه در جایگاه سال پیش امارات، یعنی رتبه هفتم، قرار گرفت. در این عرصه پس از سال 1360 ش/1981 م تا سال 1368 ش/1989 م، یعنی یک سال پس از اتمام جنگ، باز هم نامی از امارات دیده نمی‌شود.

براساس مقاله‌ای در مطبوعات ایران، در سال 1362 ش/1983 م امارات با 224 هزار تن صادرات به ایران به ارزش 29267 میلیون ریال و اختصاص 1/85 درصد کل واردات ایران به خود، در جایگاه پانزدهم صادرکنندگان به ایران قرار گرفت (اطلاعات، 1364: ش 17763، ضمیمه اقتصادی: 8).

با این حال شیخ‌نشین دبی چند سال غیرمتوالی، باز هم در میان این فهرست دوازده‌تایی دیده می‌شود. این شیخ‌نشین در سال 1365 ش/1986 م، با اختصاص 4/15 درصد از صادرات به ایران جای ایتالیا را در رتبه ششم گرفت؛ اما سال بعد، با 2/55 درصد صادرات، جایگاه خود را به نفع برزیل از دست داد و به رتبه یازدهم سقوط کرد؛ ولی در سال 1367 ش/1988، این شیخ‌نشین نیز در میان لیست دوازده‌تایی جایی نداشت. تا آنکه سال بعد، 1368 ش/1989 م، دوباره خود را به جایگاه چهارم رساند و 5/52 درصد از صادرات به ایران را به خود اختصاص داد و جای ترکیه را گرفت. با دقت

بودند. بی‌تردید اگر روابط اقتصادی گسترده‌ی دو کشور مذکور با ایران به مانند قبل از انقلاب ادامه می‌یافت، مواضع آنها در برابر جنگ و ایران و میزان حمایت آنها از عراق تغییر می‌کرد؛ چنان‌که این امر درباره‌ی امارات صدق می‌کند. با حذف عربستان و کویت، در بین کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس امارات متحده عربی به بزرگ‌ترین واردکننده‌ی کالا از ایران تبدیل شد. این کشور یا شیخ‌نشین دبی غیر از سال 1359 ش/1980 م، در تمام طول جنگ، یکی از واردکنندگان اصلی کالا از ایران بودند. در ادامه جدول‌های مذکور نشان داده شده‌اند.

الف. جدول‌های مربوط به شرکای بازرگانی خارجی ایران در زمینه‌ی واردات و صادرات (رکن‌الدین افتخاری، 1371: 643 تا 646)

ادامه جدول ۵ - ۳۹:

رتبه سال	هفتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سایر
۱۳۵۴	هلند ۲/۵	بلژیک ۲/۴	سوئیس ۲/۳	استرالیا ۱/۶	شوروی سابق ۱/۴	ایتالیا ۱۵/۳
۱۳۵۵	هلند ۳/۵	هندوستان ۲/۵	بلژیک ۲/۲	استرالیا ۱/۳	کره جنوبی ۱/۲	۱۶/۵
۱۳۵۶	سوئیس ۲/۰	بلژیک ۲/۴	شوروی سابق ۱/۹	استرالیا ۱/۶	سوئد ۱/۳	۱۸/۴
۱۳۵۷	بلژیک ۲/۵	هلند ۲/۱	آفریقای جنوبی ۱/۹	شوروی سابق ۱/۹	اسپانیا ۱/۷	۱۶/۳
۱۳۵۸	سوئیس ۲/۸	بلژیک ۲/۷	استرالیا ۱/۹	شوروی سابق ۱/۹	رومانی ۱/۷	۲۱/۵
۱۳۵۹	سوئیس ۴/۲	کره جنوبی ۴/۰	اتریش ۳/۳	هلند ۳/۱	بلژیک ۲/۶	۲۸/۲
۱۳۶۰	هلند ۳/۳	اسپانیا ۳/۱	امارات متحده عربی ۳/۰	اتریش ۲/۵	بلژیک ۲/۴	۳۳/۵
۱۳۶۱	فرانسه ۳/۲۲	اسپانیا ۳/۰۲	بلژیک ۲/۸۵	هلند ۲/۶۳	سوئیس ۲/۴۹	۳۶/۴
۱۳۶۲	برزیل ۲/۳۵	آرژانتین ۲/۲۲	بلژیک ۲/۲۱	هلند ۲/۲۳	اسپانیا ۲/۱	۳۲/۳
۱۳۶۳	سوئد ۳/۱۶	کره جنوبی ۲/۹۵	استرالیا ۲/۶۷	آرژانتین ۲/۶۳	هلند ۲/۴۷	۲۹/۰۰
۱۳۶۴	رومانی ۳/۲۲	بلژیک ۲/۸۹	استرالیا ۲/۶۳	کره جنوبی ۲/۴۱	هلند ۲/۴۱	۲۷/۲۷
۱۳۶۵	هلند ۳/۱۳	آرژانتین ۲/۷۲	برزیل ۲/۶۲	استرالیا ۲/۶۰	کره جنوبی ۲/۵۰	۲۹/۸۸
۱۳۶۶	ترکیه ۴/۱۶	کانادا ۳/۰۷	بلژیک ۲/۷۸	دوبی ۲/۵۵	کره جنوبی ۲/۱۲	۲۴/۳۵
۱۳۶۷	هلند ۳/۴۹	فرانسه ۲/۹۶	شوروی ۲/۶۵	استرالیا ۲/۶۴	سوئیس ۲/۶۳	۳۱/۳۳
۱۳۶۸	کره جنوبی ۳/۷۲	آرژانتین ۳/۵۶	استرالیا ۳/۵۲	هلند ۳/۱۹	کانادا ۲/۹۹	۳۴/۱۱

در عرصه‌ی واردات از ایران نیز، امارات متحده به‌طور عمده با کشورهای غربی و اروپایی رقابت می‌کرد. پیش از انقلاب سه کشور عربستان سعودی و کویت و عراق از منطقه‌ی خلیج فارس و نیز تا پیش از سال 1361 ش/1982 م، دو کشور کویت و عربستان سعودی در جایگاهی بالاتر از امارات قرار داشتند و از مشتریان قدیمی‌تر ایران محسوب می‌شدند؛ ولی از سال 1359 ش/1980 م، عراق درگیر جنگ با ایران شد و از جمع رابطان تجاری ایران کنار رفت. کویت در سال 1361 ش/1982 م، هم در جایگاه ششم و دو پله بعد از امارات بود؛ اما پس از این سال، کویت و عربستان سعودی به‌طور کلی از فهرست دوازده‌تایی خریداران کالا از ایران خارج شدند که علت آن را باید در حمایت‌های این کشورها از رژیم بعث عراق در مقابل ایران جستجو کرد؛ چراکه در دوران جنگ این دو از حامیان اصلی صدام

جدول ۵ - ۳۹: کشورهای طرف قرارداد بازرگانی خارجی ایران واردات و صادرات به ترتیب دسته بندی الف - صادرات به ایران

رتبه سال	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
۱۳۵۴	آمریکا ۱۹/۸	آلمان غربی ۱۷/۳	ژاپن ۱۵/۸	انگلستان ۸/۸	فرانسه ۴/۴	هندوستان ۳/۷	ایتالیا ۳/۶
۱۳۵۵	آلمان غربی ۱۷/۸	ژاپن ۱۷/۲	آمریکا ۱۵/۵	انگلستان ۲/۱	ایتالیا ۵/۸	فرانسه ۵/۶	سوئیس ۳/۷
۱۳۵۶	آلمان غربی ۱۹/۱	آمریکا ۱۶/۰	ژاپن ۱۵/۹	انگلستان ۲/۱	ایتالیا ۵/۵	فرانسه ۴/۵	هلند ۳/۳
۱۳۵۷	آلمان غربی ۲۰/۷	ژاپن ۱۶/۹	آمریکا ۱۴/۵	انگلستان ۸/۱	ایتالیا ۵/۸	فرانسه ۴/۹	سوئیس ۲/۷
۱۳۵۸	آلمان غربی ۱۸/۰	ژاپن ۱۳/۹	آمریکا ۱۳/۵	انگلستان ۶/۹	فرانسه ۵/۷	ایتالیا ۵/۷	هلند ۳/۸
۱۳۵۹	آلمان غربی ۱۵/۱	ژاپن ۹/۸	شوروی ۷/۶	انگلستان ۷/۳	ایتالیا ۵/۵	فرانسه ۴/۹	صادرات متحده عربی ۴/۳
۱۳۶۰	آلمان غربی ۱۶/۷	ژاپن ۱۲/۰	انگلستان ۶/۳	ایتالیا ۵/۳	کره جنوبی ۴/۵	سوئیس ۴/۰	فرانسه ۳/۴
۱۳۶۱	آلمان غربی ۱۶/۳۵	ژاپن ۱۰/۵۶	ترکیه ۶/۵۳	انگلستان ۵/۹۹	ایتالیا ۴/۶۶	رومانی ۳/۹۱	کره جنوبی ۳/۳۷
۱۳۶۲	آلمان غربی ۱۹/۰۲	ژاپن ۱۶/۶۹	انگلستان ۶/۰۱	ترکیه ۴/۷۱	ایتالیا ۴/۶۴	کره جنوبی ۲/۷۸	سوئد ۲/۷۲
۱۳۶۳	آلمان غربی ۱۹/۴	ژاپن ۱۴/۲۴	انگلستان ۸/۳۶	ایتالیا ۴/۲۳	بلژیک ۳/۸۶	ترکیه ۳/۶۱	برزیل ۳/۲۲
۱۳۶۴	آلمان غربی ۱۵/۸۴	ژاپن ۱۳/۴۲	سوئیس ۸/۰۹	ترکیه ۷/۴۹	انگلستان ۵/۶۵	ایتالیا ۴/۶۱	آرژانتین ۳/۰۰
۱۳۶۵	آلمان غربی ۱۸/۲۵	ژاپن ۱۳/۵۵	انگلستان ۶/۷۸	ایتالیا ۶/۵۱	ترکیه ۶/۲۵	دوبی ۴/۱۵	بلژیک ۳/۶۴
۱۳۶۶	استرالیا ۱۵/۹	آلمان غربی ۱۵/۷۸	ژاپن ۹/۲۶	آرژانتین ۵/۳۵	ایتالیا ۵	برزیل ۴/۸۵	انگلستان ۴/۸۳
۱۳۶۷	آلمان غربی ۱۸/۲۲	ژاپن ۱۰/۲۲	انگلستان ۶/۷۹	ترکیه ۵/۳۰	ایتالیا ۵/۱۰	بلژیک ۴/۸۰	برزیل ۴/۱۹
۱۳۶۸	آلمان غربی ۱۵/۸۰	ژاپن ۷/۵۹	ایتالیا ۶/۲۷	دوبی ۵/۵۲	ترکیه ۵/۴۶	انگلستان ۴/۴۲	بلژیک ۳/۸۵

ادامه جدول ۵-۳۹: ب- واردات از ایران

رتبه سال	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
۱۳۵۴	شوروی سابق ۱۸/۷۳	آلمان غربی ۱۳/۵۲	آمریکا ۷/۷۵	ایتالیا ۴/۹۰	کویت ۴/۳۴	مجارستان ۳/۸۸	جمهوری چین ۳/۳۳
۱۳۵۵	آلمان غربی سابق ۱۶/۰	شوروی سابق ۱۴/۷۰	آمریکا ۶/۶۰	ایتالیا ۶/۱۳	عربستان سعودی ۴/۶۳	اتریش ۳/۲۷	ژاپن ۳/۲۳
۱۳۵۶	شوروی سابق ۲۱/۲	آلمان غربی ۱۳	آمریکا ۱۱/۴	عراق ۴/۲	ایتالیا ۴/۲	عربستان سعودی ۳/۷	مجارستان ۳/۵
۱۳۵۷	آلمان غربی سابق ۱۳/۹۰	شوروی سابق ۱۳/۳۰	ژاپن ۹/۸۱	آمریکا ۶/۱۳	چین تایوان ۵/۹۷	کویت ۵/۲۰	ایتالیا ۴/۵۵
۱۳۵۸	آلمان غربی سابق ۳۲/۷۰	آمریکا ۱۰/۱۰	شوروی سابق ۸/۹۳	ایتالیا ۶/۹۳	سوئیس ۶/۹۵	فرانسه ۵/۵۶	انگلستان ۳/۴۶
۱۳۵۹	آلمان غربی سابق ۴۵/۴۴	شوروی سابق ۱۲/۴۳	سوئیس ۸/۶۲	ایتالیا ۸/۴	عربستان سعودی ۳۱/۶۱	انگلستان ۳/۵۱	فرانسه ۳/۱۲
۱۳۶۰	آلمان غربی سابق ۳۱/۸۸	ایتالیا ۱۳/۶۲	شوروی سابق ۱۱/۷۳	سوئیس ۷/۷۵	عربستان سعودی ۶/۶۰	مجارستان ۳/۶۵	کویت ۳/۴۸
۱۳۶۱	شوروی سابق ۱۹/۵۵	آلمان غربی ۱۸/۷۷	ایتالیا ۱۲/۵۴	امارات متحده عربی ۶/۴۰	ایران ۵/۵۵	سوئیس ۵/۴۵	کویت ۳/۴۸
۱۳۶۲	آلمان غربی سابق ۲۰/۵۸	امارات متحده عربی ۱۴/۰۷	ایران ۱۳/۹۷	سوئیس ۱۱/۲۱	ایتالیا ۹/۲۵	انگلستان ۴/۵۶	مجارستان ۳/۷۱
۱۳۶۳	آلمان غربی سابق ۱۷/۷۹	شوروی سابق ۱۱/۹۷	ایتالیا ۱۰/۷۰	سوئیس ۹/۰۴	ایران ۷/۳۰	چکسلواکی ۶/۷۶	سوئیس ۶/۶۸
۱۳۶۴	آلمان غربی سابق ۲۴/۴۴	سوئیس ۱۲/۶۱	ایتالیا ۱۱/۶۳	سوئیس ۷/۳۳	ایران ۶/۵۲	مجارستان ۶/۴۶	۳/۵۶
۱۳۶۵	آلمان غربی سابق ۳۰/۹۲	سوئیس ۱۵/۶۹	ایتالیا ۷/۵۲	ایران ۷/۱۴	سوئیس ۶/۰۶	پاکستان ۵/۰۸	شوروی ۲/۴۰
۱۳۶۶	آلمان غربی سابق ۳۰/۶۶	سوئیس ۱۲/۶۵	ایتالیا ۹/۹۹	سوئیس ۸/۱۰	شوروی ۷/۸۳	ایران ۴/۷۸	ژاپن ۲/۷۴
۱۳۶۷	آلمان غربی سابق ۲۷/۹۲	سوئیس ۱۳/۱۴	ایتالیا ۱۰/۳۱	انگلستان ۹/۵۸	سوئیس ۷/۵۱	شوروی ۶/۱۸	ژاپن ۳/۵۶
۱۳۶۸	آلمان غربی سابق ۳۴/۴۰	ایتالیا ۱۲/۸۷	سوئیس ۱۲/۸۲	سوئیس ۷/۶۹	ژاپن ۵/۰۷	فرانسه ۲/۴۵	شوروی ۲/۱۸

مأخذ: نشریات آمار بازرگانی خارجی ایران، گمرک ایران.

رتبه سال	هفتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سایر
۱۳۵۴	ژاپن ۳/۲۶	فرانسه ۲/۸۸	عربستان سعودی ۲/۸۵	مصر ۲/۶۲	انگلستان ۲/۴۳	۲۹/۱
۱۳۵۵	کویت ۳/۱۲	انگلستان ۳/۰۰	مجارستان ۲/۸۱	فرانسه ۲/۶۷	رومانی ۲/۵۲	۳۱/۲
۱۳۵۶	آفریقای جنوبی ۳/۲	کویت ۳/۱	انگلستان ۲/۸	فرانسه ۲/۶	دوئی ۲/۴	۲۴/۱
۱۳۵۷	یونان ۴/۵۳	مجارستان ۳/۸۲	عربستان سعودی ۳/۵۵	فرانسه ۳/۲۳	عراق ۳/۱۴	۲۲/۲
۱۳۵۸	چین تایوان ۲/۹۱	سوئیس ۲/۴۴	عراق ۲/۱۰	ژاپن ۲/۰۸	کویت ۱/۷۵	۱۲/۲
۱۳۵۹	اتریش ۱/۶۱	لبنان ۱/۵۰	بلژیک ۱/۳۰	چکسلواکی ۱/۱۷	کویت ۱/۱۵	۷/۸
۱۳۶۰	انگلستان ۲/۷۰	آلمان شرقی ۲/۶۱	چکسلواکی ۲/۲۸	فرانسه ۲/۳۵	لبنان ۱/۷۴	۹/۷
۱۳۶۱	سوئیس ۳/۴۶	عربستان سعودی ۳/۱۶	انگلستان ۳/۰۳	چکسلواکی ۲/۸۰	ژاپن ۲/۴۵	۱۳/۶
۱۳۶۲	مجارستان ۳/۰	کویت ۲/۶۳	ژاپن ۲/۳۵	فرانسه ۲/۲۱	آلمان شرقی سابق ۱/۶۳	۱۰/۴
۱۳۶۳	انگلستان ۴/۹۱	مجارستان ۴/۵۶	آلمان شرقی ۳/۷۵	بلغارستان ۲/۵۳	ترکیه ۱/۶۱	۱۴/۴
۱۳۶۴	انگلستان ۳/۳۰	آلمان شرقی ۳/۹۴	ترکیه ۲/۳۷	پاکستان ۲/۰۵	اتریش ۱/۷۳	۱۴/۰۶
۱۳۶۵	انگلستان ۲/۲۲	هلند ۲/۲۰	آلمان شرقی ۱/۹۸	فرانسه ۱/۸۴	اتریش ۱/۶۵	۱۵/۳
۱۳۶۶	فرانسه ۲/۵۱	هلند ۲/۲۶	انگلستان ۲/۱۶	اتریش ۱/۵۶	چین ۱/۳۵	۱۳/۴۱
۱۳۶۷	آلمان شرقی ۳/۱۳	فرانسه ۱/۸۵	چکسلواکی ۱/۳۰	سوئیس ۱/۵۵	اتریش ۱/۱۶	۱۲/۴۱
۱۳۶۸	اسپانیا ۱/۹۰	انگلستان ۱/۷۹	سنگاپور ۱/۶۸	اتریش ۱/۶۴	سوئیس ۱/۴۵	۱۴/۰۶

صادرات بیشتری به ایران داشت؛ اما سال بعد، یعنی ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۱ م، کره جنوبی گوی سبقت را ربود؛ ولی امارات در کل، در مقایسه با دو کشور ترکیه و هندوستان، برتری داشت و اگر به مجموع صادرات کره جنوبی و امارات در طول دو سال مدنظر توجه کنیم، می بینیم که امارات پس از کره جنوبی در جایگاه سوم صادرکنندگان آسیایی به ایران قرار داشت.

ب. جدول جایگاه امارات در صادرات به ایران در میان آسیایی ها، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ م (ایران): تصویر آماری بازرگانی خارجی ۱۳۵۱-۶۰، ش ۲، همراه با ضمیمه سال ۶۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۶۳: ۱۲۸۷.

حال وضعیت امارات در میان کشورهای آسیایی در صادرات به ایران با جدول (ب) نشان داده می شود؛ البته این جدول از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ م را بررسی کرده است و تنها دو سال پایانی آن دوره جنگ را دربرمی گیرد؛ اما همین هم تا حدودی جایگاه امارات متحده را در تجارت با ایران در میان کشورهای آسیایی نشان می دهد. جدای از ژاپن که با فاصله چشمگیری بیشترین صادرات به ایران را به خود اختصاص داده بود، رقابت بین امارات و سه کشور دیگر بسیار تنگاتنگ بود؛ چنان که در دو سال آخر این دوره که دو سال اول جنگ را شامل می شد، امارات در سال ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ م و در مقایسه با کره جنوبی،

ارزش واردات از قاره آسیا و چند کشورزاین قاره و درصد آنها نسبت به کل واردات هر سال
واحد: میلیارد ریال

	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۱۳۵۱		
آسیا	۳۳۷/۱	۱۹۸/۶	۱۶۳/۵	۱۶۳/۱	۲۳۶/۳	۲۳۳/۴	۲۰۲/۶	۱۰۹/۳	۵۴/۴	۳۹/۸	ارزش	
	۳۱/۱	۳۵/۶	۲۳/۹	۲۲/۳	۲۲/۹	۲۵/۸	۲۵/۶	۲۴/۴	۲۱/۵	۲۰/۶	درصد	
ژاپن	۱۲۹/۶	۷۵/۹	۹۳/۸	۱۲۴/۰	۱۶۳/۹	۱۵۵/۵	۱۲۶/۶	۶۷/۷	۳۷/۱	۲۷/۰	ارزش	
	۱۱/۹۸	۹/۸	۱۳/۹	۱۶/۹	۱۵/۹	۱۷/۲	۱۵/۸	۱۵/۱	۱۴/۷	۱۴	درصد	
ژاپن به آسیا	۳۸/۳	۳۸/۲	۵۱/۶	۷۶	۶۹/۳	۶۶/۶	۶۱/۹	۶۱/۹	۶۸	۶۷/۹	ارزش	
	۳۲/۳	۳۳/۰	۷/۸	۲/۹	۳/۱	۳/۲	۲/۵	۱/۰	-/۷	-/۶	درصد	
امارات متحده	۳/۰	۴/۲	۱/۱	-/۳	-/۴	-/۳	-/۳	-/۴	-/۳	-/۳	ارزش	
	۳۹/۱	۳۰/۳	۱۱/۳	۵/۴	۹/۸	۱۱/۹	۶/۱	۲/۵	۱/۰	-/۸	درصد	
کره جنوبی	۳/۵	۳/۹	۱/۶	-/۷	-/۹	۱/۳	-/۸	-/۶	-/۳	-/۴	ارزش	
	۲۳/۳	۸/۰	۱/۷	۱/۶	۲/۸	۲/۹	۳/۸	۲/۶	۱/۰	۱/۱	درصد	
ترکیه	۲/۱	۱/۰	-/۲	-/۲	-/۳	-/۳	-/۵	-/۶	-/۴	-/۶	ارزش	
	۱۳/۱	۴/۹	۹/۵	۶/۶	۱۳/۷	۲۲/۳	۲۹/۷	۷/۷	۳/۷	۳/۱	درصد	
هندوستان	۱/۳	-/۶	۱/۴	-/۹	۱/۳	۲/۵	۳/۷	۱/۷	۱/۵	۱/۶	ارزش	
											درصد	

۱۳۸۷

ج. جدول وزن و درصد واردات ایران از امارات در مقایسه با کل واردات از 1351 تا 1360 ش، (ایران: تصویر آماری بازرگانی خارجی 1351-60، ش 2، همراه با ضمیمه سال 61، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، 1363: 1303).

اما در جدول (ج) که واردات از بلوک شرق را نشان می‌دهد، مقدار کالاهای وارداتی از امارات و کره جنوبی برحسب وزن در دوره ده‌ساله گفته‌شده نشان داده شده است و این جدول اطلاعات راجع به واردات از امارات را در دو سال آغازین جنگ تکمیل خواهد کرد.

مقدار واردات از سایر کشورها و کره جنوبی و امارات متحده عربی و درصد آنها نسبت به کل واردات هر سال
واحد: میلیون تن

	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱		
سایر کشورها	۲/۹۸	۲/۲۵	۲/۰۰	۱/۰۷	۲/۵۶	۲/۳۶	۲/۱۸	۱/۱۴	۰/۷۱	۰/۵۸	وزن	
	۳۵/۶	۲۵/۲	۱۹/۲	۸/۶	۱۴/۹	۱۷/۰	۱۶/۳	۱۲/۱	۱۰/۵	۹/۹	درصد	
کره جنوبی	۰/۵۶	۰/۳۱	۰/۳۰	۰/۱۲	۰/۳۸	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۰۹	۰/۰۳۸	۰/۰۱۹	وزن	
	۲	۳/۲	۲/۸	۱	۲/۱	۲/۲	۲/۱	۰/۹۶	۰/۷	۰/۳	درصد	
امارات متحده	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۱۱	۰/۰۶۷	۰/۰۹۹	۰/۰۶۸	۰/۰۳۸	۰/۰۹	۰/۰۱۸	۰/۰۳۵	وزن	
	۱/۹	۲/۸	۱/۰	۰/۵۳	۰/۵۷	۳/۹	۰/۳۶	۰/۹۶	۰/۲۷	۰/۷۸	درصد	

مراوده‌ها و دیدارهای سیاسی اقتصادی و نتایج آن

مقام‌های ایران و امارات در سایر زمینه‌های اقتصادی و تجاری دیدارها و گفتگوهای کردند که ارزش بحث و بررسی دارد و فضای اقتصادی میان دو کشور را روشن‌تر می‌کند. در آذرماه 1364/دسامبر 1985، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در رأس هیئتی اقتصادی و بازرگانی به امارات متحده سفر کرد و با شیخ حمدان بن راشد¹ جانشین ولیعهد دبی و وزیر دارایی و صنعت و نیز سیف‌آل‌جروان وزیر اقتصاد و بازرگانی این کشور دیدار کرد. در این ملاقات درباره روابط دوجانبه، مسائل در کانون علاقه دو طرف و افزایش صادرات ایران به امارات بحث و تبادل نظر شد و وزرای اماراتی آمادگی کشورشان را برای توسعه و تحکیم روابط بازرگانی با ایران اعلام کردند. جعفری وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی هم ضمن تشریح وضع کشور، از رشد درخور ملاحظه بخش‌های صنعت و کشاورزی ایران و آمادگی برای صادرات بسیاری از تولیدات مازاد بر مصرف به خارج، به ویژه امارات متحده، سخن گفت و در زمینه واردات، کشورهای مسلمان را در اولویت ایران دانست (اطلاعات، 1364، ش 17768: 20). در سال 1364 ش/1985 م، ایران برای اولین بار در نمایشگاه آسیایی امارات شرکت کرد و از ایران حدود 250 واحد تولیدی صنعتی و کشاورزی و... در این نمایشگاه حاضر شدند (امارات عربی متحده، 1364: 127 و 128). اما با مشاهده افزایش شدید ارتباطات دو کشور آن هم در فاصله‌ای کوتاه پس از پایان جنگ، میزان تأثیر جنگ را در این مراودها بهتر درک می‌کنیم؛ چنان‌که در آذر 1367 ش/1988 م، نمایشگاه بین‌المللی شارجه با حضور 25 تعاونی تولیدی ایرانی گشایش یافت و اسلامی‌نسب، معاون بازرگانی داخلی ایران، نیز

در مراسم افتتاحیه حضور یافت و این اولین بار بود که تعاونی‌های تولیدی صنعتی ایرانی در این نمایشگاه شرکت می‌کردند؛ از جمله این تعاونی‌ها تولیدکنندگان پوشاک، لوازم‌خانگی و ماشین‌آلات صنعتی بودند. هدف از شرکت در این نمایشگاه، بازاریابی محصولات تعاونی‌ها برای افزایش صادرات غیرنفتی ایران بود (کیهان، 1367، ش 13476: 9). مدتی بعد عیسی ولایی، رئیس گروه بازرگانی مجلس، ضمن بیان اینکه در سال 1366 ش/1987 م، سیصد میلیون دلار کالا به امارات صادر شده است، از مذاکره با رئیس اتاق بازرگانی شارجه برای ایجاد خط کشتیرانی مشترک بین دو کشور، تشکیل نمایشگاه اختصاصی برای عرضه کالاهای ایرانی و ایجاد دفتر تجاری در این شیخ‌نشین خبر داد (اطلاعات، 1367، ش 18635: 4). در دی‌ماه 1367 نیز استاندار هرمزگان اعلام کرد که با احداث اسکله شناور در بندرلنگه، دو خط کشتیرانی بین دبی بندرعباس و شارجه بندرعباس دایر می‌شود (کیهان، 1367، ش 13506: 10).

روابط اقتصادی با ایران و میزان عملکرد مثبت امارات در برابر ایران در عرصه سیاسی

بدون تردید غیر از روابط اقتصادی و تجاری گسترده، علاقه خاص و ایجابی دیگری در مناسبات دو کشور ایران و امارات متحده وجود نداشت. چه اگر این روابط هم نبود، اماراتی‌ها برای کمک به عراق در مقابل ایران انگیزه‌ای به مراتب بیشتر از عربستان و کویت داشتند و دشمنی بیشتری به جمهوری اسلامی نشان می‌دادند. در کنار عواملی همچون ناسیونالیسم عربی و مذهب مشترک و ترس اعراب از صدور انقلاب ایران، امید دستیابی دوباره به جزایر سه‌گانه (تنب‌بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) عاملی بود که برای مقابله با

همچنان ادامه داشت؛ اما به طور حتم، امارات متحده علائق خویش را بر منافع دسته‌جمعی اعراب ترجیح می‌داد. شاید این ادعا درست باشد که این علائق تجاری و رابطه نزدیک میان دو کشور بود که باعث شد در جریان انتشار کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی در سال 1367 ش/ 1988 م، امارات متحده پیشتر و بیشتر از سایر اعراب خلیج فارس از مواضع ایران در این باره حمایت کند. در اسفند همان سال، شیخ‌زاید حاکم امارات در دیدار آیت‌الله جنتی سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی که به امارات سفر کرده بود، از دستور خود برای بررسی کتاب آیات شیطانی و صدور حکم لازم درباره نویسنده و ناشر آن خبر داد و هماهنگی با سایر ملل اسلامی را در این زمینه اعلام کرد. شیخ محمدبن احمد الخزر جی، وزیر اوقاف و امور اسلامی امارات، نیز درباره همین مسئله با آیت‌الله جنتی دیدار کرد. وی ضمن تأیید حکم امام خمینی (ره) درباره سلمان رشدی، از حمایت تمام مذاهب اسلامی از این حکم سخن گفت و به ایستادگی امارات در کنار جمهوری اسلامی در مقابله با این توطئه تأکید کرد. ولایتی، وزیر خارجه ایران، هم در این باره پیام‌هایی برای وزرای خارجه امارات، قطر و عمان فرستاد و وزیر مشاور در امور خارجی امارات نیز ضمن تأیید حکم امام خمینی، از بررسی جدی مسئله انتشار کتاب آیات شیطانی در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی و نیز شورای همکاری خلیج فارس خبر داد و وحدت‌نداشتن کشورهای اسلامی را عامل چنین دسیسه‌هایی دانست (اطلاعات، 1367، ش 18704: 3).

از مهم‌ترین سطوح عملکرد امارات در زمان جنگ، رفتار آن در قالب شورای همکاری خلیج فارس بود. شورایی که هم خواست اعراب خلیج فارس بود و هم پاسخی به نیازهای امنیتی آمریکا در منطقه بود که پس

ایران، به امارات انگیزه‌ای بیشتر از دیگر اعراب خلیج فارس می‌داد. از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد، بی‌تردید اگر عربستان و کویت پس از جنگ ایران و عراق روابط اقتصادی خود را با ایران حفظ کرده بودند، مواضع به‌مراتب نرم‌تری در قبال ایران اتخاذ می‌کردند؛ اما نبود یا حجم کم روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، دست آنها را برای اتخاذ مواضع تند و خشن در قبال ایران باز می‌گذاشت. بنابراین ثابت می‌شود که در دوره جنگ ایران و عراق، روابط اقتصادی گسترده امارات با ایران مواضع این کشور را در برابر ایران تاحدی تعدیل می‌کرد و این مسئله از امارات عنصری میانه‌رو ساخته بود.

در دوره جنگ، روابط مستقیم ایران و امارات متحده خوب و رو به گسترش بود. شاید سفر راشد عبدالله²، وزیر مشاور در امور خارجی امارات، در دی 1364/ دسامبر 1985 به تهران، مهم‌ترین سفر مقامات اماراتی به ایران در دوره جنگ بود. وی با مقامات ایرانی از جمله آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، میرحسین موسوی نخست‌وزیر و علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه دیدار کرد. هاشمی رفسنجانی در دیدار با عبدالله از روابط دو کشور و بی‌طرفی نسبی امارات در جنگ ابراز رضایت کرد (ابرار، 1364، ش 74: 1 و 2). راشد عبدالله در دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای، امارات را از طرفداران انقلاب ایران از همان آغاز خواند. رئیس‌جمهور ایران نیز دو کشور را دارای اشتراکات فرهنگی فراوان خواند و خواستار گسترش روابط شد. عبدالله در پایان سفر خود، هدف از این سفر را کمک به استقرار امنیت و ثبات در خلیج فارس بیان کرد (جمهوری اسلامی، 1364، ش 1911: 12).

این دیدارها در حالی صورت می‌گرفت که فشارهای عراق و سایر اعراب مانند اوایل جنگ

عراق کاهش داد. پس از عملیات مسلم‌بن‌عقیل³ که ایران برای دومین بار به خاک عراق حمله کرد، کشورهای خلیج فارس که دیگر خود را از کمک کردن به عراق ناتوان می‌دیدند، خواستار پایان جنگ شدند و از شیخ‌زاید بن سلطان آل‌نهیان، رئیس امارات متحده، خواستند که میان ایران و عراق میانجیگری کند (جمهوری اسلامی، 1364، ش 1836: 7). در نیمه دوم سال 1364 ش/1985 م، اعضای شورای همکاری در برابر ایران مواضع ملایم‌تری اتخاذ کردند. در آبان این سال، اجلاس سران شورا در مسقط، پایتخت عمان، برگزار شد و با صدور بیانیه‌ای پایان یافت که برخلاف روال گذشته، در آن انتقادی از ایران نشده بود. این بیانیه خواستار تلاش جامعه جهانی برای پایان جنگ و نیز صلح و مذاکره دو طرف بود. در این اجلاس، وزیر دفاع امارات ضمن اشاره به قراردادش با اعراب خلیج فارس در کنار عراق، ایران را کشوری مسلمان دانست که نباید با آن جنگید (اطلاعات، 1364، ش 17733: 20). در همین سال صدام پس از شکست‌های پی در پی، از شورای همکاری خواست تا ماهانه یک میلیارد دلار در اختیار عراق قرار دهد تا جنگ را پیگیری کند؛ اما این تقاضا با مخالفت اعضای شورا، به ویژه امارات، روبه‌رو شد و تنها عربستان قسمت اعظم آن را برعهده گرفت (جمهوری اسلامی، 1364، ش 1836: 7).

شاید مهم‌ترین اتفاق سال 1365 ش/1986 م برای شورای همکاری در ارتباط با جنگ تحمیلی، اختلاف نظر میان اعضای شورا در قبال حضور نیروهای نظامی بیگانه در خلیج فارس، در ارتباط با جنگ ایران و عراق بود. در پی تشدید جنگ نفت‌کش‌ها، کویت از قدرت‌های بیگانه، به ویژه شوروی و آمریکا، برای محافظت از ناوگان نفت‌کش‌ها در خلیج فارس دعوت کرد و کشتی‌های خود را زیر پرچم این کشورها قرار داد. عربستان

از انقلاب ایران، خود را با خلأ ناگهانی عامل نفوذ مواجه می‌دید و نیاز داشت تا مانعی در برابر ایران و خطر شوروی برای خلیج فارس ایجاد کند (امامی، 1389: 68؛ اسدی، 1369: 145 تا 147). شورای همکاری خلیج فارس حدود هشت ماه پس از آغاز جنگ و زمین‌گیر شدن نیروهای عراقی در خاک ایران، ایجاد شد. در 4 خرداد 1360/25 مه 1981، اجلاس سران شورا در ابوظبی تشکیل شد و منشور آن امضا شد و موجودیت آن به طور رسمی تحقق یافت. در منشور، هدف از تأسیس شورا همکاری و هماهنگی کشورهای عضو آن در امور تجاری، مالی، ارتباطات، آموزش فرهنگی و... عنوان شد. تا فتح خرمشهر در 3 خرداد 1361/1982 م، اعضای شورای همکاری علاقه چندانی به خاتمه جنگ و عقب‌نشینی عراق نشان نمی‌دادند؛ اما پس از آن، شورا برای نزدیکی به ایران و میانجی‌گری در راستای خاتمه جنگ تحرک‌هایی را شروع کرد؛ ولی کمک به عراق و نشان‌دادن چهره‌ای صلح‌طلب از آن را نیز ادامه داد (ولایتی، 1394: 578).

از جمله اقدامات مثبت امارات در شورای همکاری در برابر جنگ ایران و عراق، تلاش‌های این کشور برای میانجی‌گری میان دو کشور بود. سومین اجلاس سران شورای همکاری در 19 آبان 1361/9 نوامبر 1982 تشکیل شد و این تلاش‌ها در این اجلاس آغاز شد؛ اما موفقیت چندانی نداشت (اطلاعات، 1361، ش 16856: 16). در اجلاس ریاض که در سال 1364 ش/1985 م برگزار شد، شورا برای اولین بار بدون دفاع از عراق، پذیرش هیئت‌های میانجی توسط ایران را خواستار شد. پس از ورود ایران از شرق بصره به خاک عراق، شورا به علت ناامیدی از صدام و درک بیشتر واقعیت قدرت ایران، حمایت‌های خود را از

در تونس در سال 1366ش/1987م، در زمان اصرار عربستان و سایر کشورهای تندرو عرب برای قطع رابطه با ایران تا زمان پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل، می‌بینیم که با مقاومت و مخالفت شدید سوریه، الجزایر، لیبی، عمان و به‌خصوص امارات متحده عربی مواجه شد؛ در نتیجه، در قطعنامه پایانی آن درباره ایران تاحد بسیاری تجدیدنظر شد (جمهوری اسلامی، 1366، ش: 2390: 3). در این باره، به نظر می‌رسد که روابط تجاری گسترده با ایران از جمله علت‌های اتخاذ چنین تصمیمی از سوی امارات متحده و نیز عمان بود.

سازمان اوپک (Petroleum Exporting Countries Organization) عرصه دیگری بود که عملکرد امارات در آن برای ایران مهم بود. به‌طور طبیعی، هر تصمیمی که اعضای اوپک می‌گرفتند، بر سیاست و اقتصاد کشورهای عضو تأثیرگذار بود. در عرصه اقتصادی، تصمیم‌های اوپک درآمدهای نفتی ایران را کاهش یا افزایش می‌داد؛ بنابراین این تصمیم‌ها به‌صورت مستقیم، درآمد کشور و معیشت مردم ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد. در اجلاس 78 سازمان در سال 1365ش/1986م، به‌طور تقریبی تمامی اعضا، به‌ویژه امارات، با پیشنهاد ایران برای محدودسازی تولیدات اعضا، به‌استثنای عراق، در حد سهمیه‌های سال 1363ش/1984م موافقت کردند. این امر افزایش قیمت‌ها را از زیر 10 دلار به حدود 15 دلار در هر بشکه موجب شد و در نتیجه، درآمدهای ایران افزایش یافت. براساس اعلام دبیرخانه اوپک، تا پیش از این تصمیم، اعضا سازمان در 8 ماهه اول سال 1986م معادل 60 میلیارد دلار ضرر کرده بودند، تراز پرداخت‌ها و موازنه بازرگانی اعضا دچار اختلال شدید شده بود و بسیاری از طرح‌های عمرانی و نیز پرداخت‌های خارجی متوقف شده بود (عادلی، 1370: 266). این پیشنهاد با توافقی دسته‌جمعی به سرانجام رسید و

سعودی نیز حامی عمده کویت در این دعوت بود. در این میان، امارات و عمان جناح دیگری تشکیل دادند که با حضور بیگانه در منطقه چندان موافق نبود و تأمین امنیت منطقه را برعهده خود کشورهای حوزه خلیج فارس می‌دانست. قطر هم به درجه کمتری به این جناح متمایل بود. بحران منطقه شکاف در شورا را باعث شد و با تضعیف نیروهای بیگانه در انجام مأموریت خویش، کفه ترازو به سود کشورهای جناح دوم سنگین شد؛ در نتیجه، در برخورد کشورهای منطقه با ایران تغییرات تدریجی ایجاد شد که نتایج آن در اجلاس سران شورا در ریاض آشکار شد و در مواضع اعضا در برابر جنگ و جمهوری اسلامی چرخش فراوانی ایجاد کرد. در آستانه تشکیل این اجلاس، شیخ‌زاید ضمن انتقاد از حضور بیگانگان در منطقه، خواستار اعزام کردن هیئت‌های میانجی به ایران شد. بیانیه پایانی اجلاس ریاض در برابر ایران لحن متعادل‌تری داشت و در آن از محکوم کردن شدید ایران اجتناب شد و تنها به ابراز تأسف از مواضع جمهوری اسلامی در برابر قطعنامه 598 سازمان ملل و امیدواری به خاتمه جنگ و به‌کارگیری توانایی‌های ایران برای مقابله با دشمنان اسلام اکتفا شد. کشورهای منطقه در اعلامیه خود از ایران خواسته بودند که به اصول حسن همجواری و امنیت منطقه احترام بگذارد. در آن زمان، کارشناسان معتقد بودند که عمان و امارات متحده در قالب اعضای میانه‌رو شورا در برابر ایران، در بیانیه پایانی بهتر از عربستان و کویت مواضع خویش را به کرسی نشاندند (رسالت، 1366، ش: 619: 3).

اما اتحادیه عرب یکی دیگر از سازمان‌های مهم بین‌المللی بود که عملکرد امارات در سطح آن جای بحث و بررسی دارد. در این سازمان نیز اماراتی‌ها در کنار اقدامات منفی، بعضی اقدامات مثبت را در رابطه با ایران انجام دادند. نمونه آن را در اجلاس اتحادیه عرب

وزیر خارجه امارات به ایران در سال 1364 ش/1985 م، مقاله‌ای در مطبوعات ایران منتشر شد که روابط ایران و امارات را بررسی می‌کرد. این مقاله از جمله خدمات امارات به ایران را رأی منفی امارات به قطعنامه حقوق بشری آمریکا بر ضد ایران در سازمان ملل متحد می‌دانست (خراسان، 1364، ش 10553: 7).

مهم‌ترین قطعنامه سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق همان قطعنامه 598 است که در 29 اردیبهشت 1366/20 جولای 1987، به تصویب شورای امنیت رسید. در جلسه 2750 این شورا که علاوه بر پنج عضو دائم، یازده عضو غیردائم را نیز دربرمی‌گرفت، امارات متحده عربی نیز حضور داشت. ریاست دوره‌ای شورا بر عهده فرانسه بود و جلسه در ساعت 3 بعد از ظهر برگزار شد (خرمی، 1388: 264/6). راشد عبدالله، نماینده امارات، در سخنرانی خود در این جلسه از شروع و ادامه جنگ و تخریب دو کشور درگیر ابراز تأسف کرد و جنگ را تهدیدی نگران‌کننده برای امنیت منطقه و جهان دانست. او از تلاش‌های امارات برای پایان دادن به جنگ و ایجاد صلح سخن گفت. وی ضمن ابراز مسرت از نقش کشورش در صدور قطعنامه 598، از اجرای آن حمایت کرد. عبدالله این قطعنامه را تجلی اراده بین المللی خواند و تعدادی از مواد آن از جمله رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، مجاز نبودن اشغال سرزمین‌ها، رعایت مقررات دریانوردی غیرنظامی، توقف حملات علیه اهداف غیرنظامی و آزادی اسیران جنگی را برشمرد. او قطعنامه جدید را متوازن دانست و به دو طرف درگیر برای پایان دادن جنگ توصیه‌هایی کرد و خواستار تلاش بین‌المللی برای اجرای این قطعنامه شد و از اراده کشورش برای کمک در بازسازی دو کشور خبر داد (خرمی، 1388:

امارات متحده نیز با آن همراهی کرد. حمایت امارات متحده از کاهش تولید نفت، فصلی تازه از رفتار این کشور در سطح سازمان اوپک با ایران بود و تا مدتی مدید ادامه یافت. در مهرماه همین سال، یعنی 1365 ش/1986 م، امارات خواستار تمدید مدت پیشنهاد ایران مبنی بر کاهش سطح تولید اوپک شد و مانع سعیدالعتیبه، وزیر نفت امارات، ضمن حمایت از تمدید مدت این پیشنهاد تا پایان سال 1986 م/1365 ش، قیمت 15 تا 20 دلار برای هر بشکه را عقلانی خواند و خواستار حفظ این سطح تا سال 1369 ش/1990 م شد. این اظهارات در کمتر از دو هفته مانده به اجلاس 14 مهر/16 اکتبر اوپک که قرار بود در ژنو برگزار شود، بیان شد و طی آن مقرر شد که اعضا استراتژی درازمدتی را برای ایجاد تعادل در بازار نفت پی‌ریزی کند تا جایگزین استراتژی موقتی شود. مبنای این استراتژی درازمدت نیز همان پیشنهاد ایران مبنی بر کاهش 3/5 میلیون بشکه‌ای تولید بود. العتیبه برای دستیابی به فرمول جدید ایجاد تعادل در بازار، تمدید این پیشنهاد را تا پایان سال خواهان شد (اطلاعات، 1365، ش 17989: 4). این تقاضای امارات با طرح شرایطی از طرف عربستان سعودی، با استقبال آن کشور نیز روبه‌رو شد تا در نتیجه آن، پیشنهاد ایران تا پایان سال میلادی تمدید شود. هرچند که در نهایت، اعضا با تقاضای کویت برای افزایش سهمیه تولید خود، موافقت کردند (اطلاعات، 1365، ش 18008: 4). این دوره را باید عصر همراهی امارات متحده با ایران در سطح اوپک دانست. افزایش قیمت نفت در این زمان، کاهش فشارهای بر ایران برای ادامه جنگ را باعث می‌شد. جنگی که هزینه‌های سرسام‌آوری برای ایران داشت.

سازمان ملل متحد سطح دیگری است که عملکرد امارات متحده در عرصه آن ذکر کردنی است. در پی سفر

با هدف افزایش قیمت‌ها در سال 1365 ش/1986م و پیشنهاد اماراتی‌ها برای تمدید آن تا پایان همان سال میلادی؛ د. مخالفت با قطعنامه حقوق بشری آمریکا ضد ایران در سال 1364 ش/1985م و ایفای نقش در صدور قطعنامه 598 شورای امنیت درباره جنگ عراق و ایران در سال 1366 ش/1987م در سطح سازمان ملل.

این مواضع امارات ثابت می‌کند که بین گسترش روابط اقتصادی ایران و امارات متحده و افزایش تعهد سیاسی امارات در برابر ایران رابطه مثبت وجود داشت و در واقع، در مواضع امارات در برابر ایران و جنگ ایران با عراق، روابط اقتصادی و سود تجاری اهرمی تنظیم کننده بود که در مقابل عوامل کشاننده امارات به سوی عراق یعنی ناسیونالیسم عربی، مذهب مشترک و ادعای رژیم بعث درباره جزایر سه گانه قرار می‌گرفت و تعادل و توازن در مواضع امارات متحده را موجب می‌شد.

امروزه ایران در وضعیت جنگ قرار ندارد؛ اما تحریم آمریکا و غرب همچنان پابرجاست. مانند روابط ایران و امارات در دوره جنگ، در زمان حاضر نیز عاملی نیاز است که کشورها را به یکدیگر جذب کند و هنگامی که بستر محیا باشد، حتی تحریم قدرت‌های جهانی نیز مانع این امر نیست؛ به عبارت دیگر از آنجا که نیاز، مادر تمامی الگوهای اقتصادی است، در چنین اوضاعی باید با مطالعه و نیازسنجی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و سایر کشورها در ظرف زمانی خاص آن، به ویژه در هنگام بحران‌های اقتصادی، زمینه را برای ایجاد و پی‌ریزی روابط پایدار تجاری، حتی با وجود تحریم‌ها، فراهم کرد. حال چه با عربستان که رقیب منطقه‌ای سرسخت ایران است و چه با یمن که به واسطه تحریم و جنگ، نمونه‌ای مناسب برای اجرای

268/6 و 269). قطعنامه 598 با لحاظ کردن خواست ایران مبنی بر مشخص کردن متجاوز، به جنگ دو کشور خاتمه داد.

نتیجه

روابط اقتصادی میان ایران و امارات در دوره جنگ ایران و عراق گسترده بود و این امر در افزایش تعهد سیاسی امارات در برابر ایران تأثیر گذاشت. در این زمینه دو علت بیان کردنی است: 1. نبود چنین رابطه‌ای بین ایران و کشورهای نظیر عربستان و کویت که باعث می‌شد این دو در قبال ایران مواضعی تند اتخاذ کنند و در تمام دوره جنگ جانب عراق را بگیرند؛ با مطالعه روزنامه‌های دوره جنگ، مشخص می‌شود که در روابط ایران با اعراب خلیج فارس، نام امارات متحده بیشترین فراوانی را داشته است و در زیر آنها همواره روابط اقتصادی مطرح شده است.

بعضی اقدامات مثبت امارات متحده در عرصه روابط مستقیم با ایران یا در سطوح بین‌المللی در رابطه با جنگ عراق و ایران خلاصه‌وار عبارت اند از: الف. رفت و آمدهای سیاسی و اقتصادی فراوان در سطح مقامات عالی‌رتبه دو کشور یا مواضع مشترک این دو در قبال مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، حضور بیگانگان در منطقه یا انتشار کتاب آیات شیطانی؛ ب. امارات متحده در نقش میانجیگری مهم میان ایران و عراق از طرف شورای همکاری خلیج فارس و نیز رابط این شورا با ایران شناخته شده است. امارات متحده در موضوع دعوت از قدرت‌های بیگانه برای حافظت از کشتیرانی در خلیج فارس، مقابل سایر اعضای شورای همکاری ایستاد و با آن مخالفت کرد؛ ج. مخالفت امارات با قطع روابط اعراب با ایران در اجلاس اتحادیه عرب در تونس در سال 1366 ش/ 1987م؛ د. موافقت امارات با پیشنهاد ایران برای کاهش سقف تولید اوپک

الگوی موضوع بحث است؛ همچنان که چنین وضعی، در دهه گذشته، روابط اقتصادی وسیعی میان ایران و عراق برقرار کرد. رابطه اقتصادی افزایش انعطاف سیاسی را نیز در پی دارد؛ ولی شرط اول، نیاز اقتصادی خود جمهوری اسلامی ایران است و شاید کسب سود انگیزه‌ای مناسب در این راستا باشد که هرچند در کوتاه مدت امید چندانی به آن نیست، در بلندمدت جای بحث و بررسی دارد

پی‌نوشت

1. فرزند شیخ محمد بن راشد آل مکتوم حاکم دبئی، نیابت حکومت امارات و مقام نخست‌وزیری از آن این خاندان است.

2. راشد عبدالله النعیمی از خاندان حکومتی عجمان، عنوان مشاور در سمت وی به این علت است که تصمیم‌گیری اصلی در سیاست خارجی امارات برعهده رئیس حکومت بود و مدیریت و اجرای آن از وظایف نخست‌وزیر بود. برای اطلاعات بیشتر در این باب رجوع شود به: (کتاب سبز امارات متحده عربی، انتشارات وزارت امور خارجه، 1390).

3. این عملیات در مهر 1361 ش/1982 م، در غرب کشور انجام شد و علاوه بر آزادی بخش‌هایی از خاک ایران، به تصرف قسمتی از خاک عراق نیز منجر شد.

کتابنامه

الف. کتاب

. بی نام، امارات متحده عربی، (1364): بی‌جا: از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها شماره‌ی 17.
. اسدی، بیژن، (1371)، *علايق و استراتژی ابرقدرت‌ها در خلیج فارس*، تهران: دانشگاه شهید

بهشتی.

. امامی، محمدعلی، (1389)، *عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس*، چ 4، تهران: وزارت خارجه.
. خرمی، محمدعلی، (1388)، *جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد*، ترجمه محمدعلی خرمی، ج 6 و 7، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).
. رزاقی، ابراهیم، (1367)، *اقتصاد ایران*، تهران: نی.

. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و دیگران، (1371)، *اقتصاد ایران*، ویرایش دوم، چ 1، ش 9، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، واحد تحقیقات بازرگانی: از سری انتشارات بررسی مسائل کشورها.
. صفری، محسن، (1370)، *ما اعتراف می‌کنیم*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

. عادل، سیدمحمدحسین، (1370)، *اقتصاد بین المللی و بازرگانی خارجی ایران*، چ 2، بی‌جا: جهاد دانشگاهی.

. علیخانی، حسین، (1384)، *تحریم ایران؛ شکست یک سیاست*، ترجمه محمد متقی‌نژاد، چ 2، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

. وزارت ارشاد اسلامی؛ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، (شهریور 1364)، *فهرست مقالات جنگ تحمیلی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران*، ج 1، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

. وزارت امور خارجه، اداره نهم سیاسی، (1354)، *امارات عربی متحده*، بی‌جا، بی‌تا.
. وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، (1390)، *امارات عربی متحده*، تهران: وزارت امور خارجه.

- . ----، یکشنبه 2 اسفند 1366، ش 619.
- . کیهان، چهارشنبه 2 آذر 1367، ش 13476.
- . ----، چهارشنبه 7 دی 1367، ش 13506.

ج. مقاله

- . تیزهوش، م.م، (15 خرداد 1365)، «علل تغییرات قیمت نفت»، مجله اقتصادی، نشریه داخلی معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی وزارت امور اقتصاد و دارایی، س 1، ش 3: 2 تا 29.
- . وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (آبان 1366): «مروری بر بازرگانی خارجی ایران در طی سال‌های 1354-1363»، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ش 6، 3 تا 29

- . وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (1363)، ایران: تصویر آماری بازرگانی خارجی 60-1351 شماره 2، همراه با ضمیمه سال 1361، بی‌جا: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- . ولایتی، علی‌اکبر، (1394)، تاریخ کهن و معاصر ایران زمین/12: ایران در زمان رهبری امام خمینی(ره)، بخش دوم (1357-1368)، تهران: امیرکبیر.

ب. روزنامه

- . ابرار، دوشنبه 9 دی 1364، شماره 74.
- . اطلاعات، دوشنبه 10 آبان 1361، ش 16856.
- . ----، سه‌شنبه 18 آبان 1361، ش 16863.
- . ----، پنجشنبه 16 آبان 1364، ش 17733.
- . ----، یکشنبه 24 آذر 1364، ش 17763.
- ضمیمه اقتصادی.
- . ----، شنبه 30 آذر 1364، ش 17768.
- . ----، شنبه 5 مهر 1365، ش 17989.
- . ----، یکشنبه 27 مهر 1365، ش 18008.
- . ----، دوشنبه 21 آذر 1367، ش 18635.
- . ----، سه‌شنبه 16 اسفند 1367، ش 18704.
- . جمهوری اسلامی، سه‌شنبه 9 مهر 1364، س 7، ش 1836.
- . ----، سه‌شنبه 10 دی 1364، س 7، ش 1911.
- . ----، چهارشنبه 4 شهریور 1366، س 9، ش 2390.
- . خراسان، سه‌شنبه 10 دی 1364، ش 10553.
- . رسالت، سه‌شنبه 30 دی 1365، ش 301.
- . رسالت، چهارشنبه 11 آذر 1366، ش 551.